

بررسی مزارات آل طاووس در حله و مزار شریفه بنت الحسن علیه السلام

محمد مهدی فقیه محمدی
جلالی بحر العلوم

چکیده

در منطقه طهمازیه از توابع شهر حله، زیارتگاه مشهوری به نام شریفه بنت الحسن علیه السلام وجود دارد که اهالی منطقه، وی را دختر امام حسن مجتبی علیه السلام می‌دانند. نویسنده این مقاله، با تأکید بر اینکه چنین باوری از اعتبار تاریخی برخوردار نیست، نظر رایج و دیگر نظرات پژوهشگران را رد کرده و نشان داده است که مدفون در این مزار، بانوی عالمه‌ای از خاندان ابن طاووس حله است. بر همین اساس، نویسنده در ادامه مقاله به معرفی سایر زیارتگاه‌های منسوب به علمای خاندان ابن طاووس در شهر حله و اعتبارسنجی آنها پرداخته است.

واژگان کلیدی:

حله، عتبات عالیات، آل طاووس، شریفه بنت الحسن، زیارتگاه‌ها، عراق.

۱. عضو گروه «تاریخ و سیره»، پژوهشکده حج و زیارت

چند سالی است زیارتگاهی در اطراف حلّه بر سر زبان‌های زائران عراقی و حتی ایرانی افتاده و کرامات زیادی به آن نسبت داده‌اند. این مزار که به زیارتگاه شریفه دختر امام حسن مجتبی علیه السلام شهرت دارد، در منطقه طهمازیه، در ناحیه ابو غرق و در نُه کیلومتری مرکز شهر حلّه واقع شده است.

اهالی حلّه به این زیارتگاه توجه بسیار دارند و در بیشتر اوقات شبانه‌روز خالی از زائر نیست. مردم منطقه برای شفای بیماری‌ها و قضای حوائج خود، زیاد به این بارگاه متوسّل می‌شوند و بسیاری از آنان معتقدند که با توسّل به مدفون در این زیارتگاه، حوائج آنان روا شده است (فقیه بحر العلوم، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۱۳۴؛ عامری، ۱۴۲۷، ص ۱۴۱).

این مقاله، صحّت و سقم این زیارتگاه و نسب شخصیت مدفون در آن و ارتباط آن با خاندان علمی آل طاووس و دیگر مزارات این خاندان در شهر حلّه را بررسی می‌کند.

مزارات همنام در استان بابل

در استان بابل عراق سه مزار به نام «شریفه» وجود دارد که هر یک دارای زیارتگاه محلی عراقی هاست. این زیارتگاه‌ها در مناطق ذیل واقع شده است:

۱. مزار شریفه در ناحیه محاولیل؛
۲. مزار شریفه در منطقه یاسیه هاشمیه؛
۳. مزار شریفه در هاشمیه به طرف مسیر حلّه به دیوانیه، قبل از چهار راهی که به منطقه مدحتیه می‌رود. (موسوی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۲۷۰)
۴. سید ابوسعیده مزار چهارمی را به همین نام در منطقه «مدحتیه» ذکر می‌کند و معتقد است که همه این مزارات بدون سند و خالی از حقیقت است. (همو، ۱۴۲۰، ص ۸۵) او می‌نویسد: «هذه المزارات غیر صحیحه و جعلیه وضعها بسطاء السواد من أجل الارتزاق»؛ این مزارات جعلی و غیر صحیح است و اهالی روستاهای اطراف برای کسب درآمد ساخته‌اند». (همان، ۱۴۲۰، ص ۸۶)

سابقه مزار

از میان چهار مزار فوق، تنها مزار شریفه بنت الحسن واقع در طهمازیه سابقه طولانی دارد و علامه حرزالدین از آن با عنوان «مرقد علیه بنیه قدیمه و قبه صغیره» یاد می‌کند. (حرزالدین، ۱۳۹۱ق، ج ۱، ص ۳۸۴؛ ج ۲، ص ۱۹۲) بنابراین، آنچه ابوسعیده موسوی در خصوص جعلی بودن همه این چهار مزار گفته صحیح نیست و - دست کم - این مزار از عصر صفویه سابقه داشته است.^۱

شهرت بقعه

از گذشته تا کنون شخصیت مدفون در بقعه به عنوان دختر امام حسن علیه السلام شهرت دارد. شیخ محمد حرزالدین می‌نویسد:

واشتهر هذا القبر عند اهل القرى و الاریاف بتلك المنطقه بقبر العلوية شریفه بنت الحسن علیه السلام؛

این قبر در روستاهای اطراف همان منطقه به قبر علویه شریفه دختر امام حسن علیه السلام مشهور است. (همان، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۸۵)

چون مرحوم حرزالدین نسب صاحب قبر را نمی‌دانسته، می‌نویسد: «در حال حاضر، این قبر از جمله قبور نامعلوم نزد من است. (همانجا)

ابوسعیده موسوی یک بار این قبر را با عنوان «شریفه دختر امام حسن علیه السلام» (موسوی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۲۶۹) و بار دیگر با عنوان «شریفه دختر حسن مثنی بن امام حسن علیه السلام معرفی کرده، و می‌نویسد: «شهرتها (أم راضی) عند سکان منطقتها؛ ام راضی نزد اهالی منطقه شهرت دارد». (همان، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۲۶۸)

او چون نتوانسته است نسب امامزاده را بر اساس قول مشهور ثابت کند، می‌نویسد:

امام حسن مجتبی علیه السلام دختری به نام شریفه، و حسن مثنی فرزند ایشان نیز دختری به این

۱. با توجه به گنبد بنا و نیز آجرهای قدیمی و استفاده از ساروج در ساخت بنا، می‌توان تخمین زد که قدمت این مزار قریب چهار قرن است.

نام نداشته است. بر فرض اینکه نوادگان امام حسن علیه السلام در زندان هاشمیه بوده‌اند، اما در منابع تاریخی به زندانی شدن دختران سادات حسنی اشاره‌ای نشده است. از این رو، آن از قبور مجهول است. (همان، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۲۶۹)

نسب شریف بی بی شریفه

متأسفانه تمام پژوهشگران عراقی که درباره نسب سادات تحقیق می‌کنند. تلاش می‌کنند تا به رد و اثبات قول مشهور بپردازند. و هیچ توجهی به نسب شخص مدفون و یا ساکنان قدیم آن شهر نمی‌کنند.

از امامزاده شریفه، سه ویژگی ذکر شده است: او را «دختر امام حسن مجتبی علیه السلام» به طور عموم و یا «دختر حسن مثنی» به طور خصوص، مشهور به «أم راضی» و «صاحب کرامات» یاد می‌کنند. با دقت در منابع انساب و تحقیق درباره سادات حسنی از آل طاووس در حله، می‌توان به این حقیقت رسید که مدفون در بقعه کسی نیست جزء سیده شرف الاشراف بنت ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی سعدالدین بن جعفر بن ابی الفضل محمد بن ابی نصر محمد بن ابی طاهر محمد بن ابی عبدالله محمد بن ابی جعفر احمد بن ابی عبدالله محمد الطاووس بن سلیمان بن داود بن حسن المثنی بن امام حسن علیه السلام. (ر.ک: نسب سیدرضی در: ابن طقطقی، بی تا، ص ۱۳۲؛ ابن عنبه، بی تا، ص ۲۲۰؛ اعرجی، ۱۳۷۵، ص ۲۰۰؛ همو، ۱۴۱۹، ص ۳۷۶) معروف به شریفه (محلّاتی. ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۳۶۱) که فرزند سید بن طاووس و خواهر سید علی رضی الدین^۱ بوده که به اشتباه، به جای «اخت الرضی» به «أم الراضی» شهرت یافته است.

سید رضی همچون دیگر برادرانش در حله به دنیا آمد و منصب نقابت سادات را به عهده داشت و مدتی در بغداد بود. (کمونیه حسینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۲۳۴) از او با عنوان «شیخ الزاهد الصالح» «له بنات خیرات صالحات»، «السید الکبیر الزاهد» (ابن طقطقی، بی تا، ص ۱۳۱-۱۳۲)،

۱. یکی از فرزندان سید رضی که در نام و لقب و کنیه با پدر مشارکت دارد. (ابن عنبه، بی تا، ص ۲۲۰، اعرجی، ۱۳۷۵، ص ۲۰۰).

«صاحب الكرامات» و «نقیب النقباء بالعراق» (ابن عنبه، بی تا، ص ۲۲۰) یاد می کنند.

سیده شرف الاشراف بانویی فاضله و متدین، نویسنده و حافظ کل قرآن کریم بود. پدرش سید رضی در کتاب **كشف المحجّة لثمره المحجّة** فرزندش محمد را خطاب می کند و به او می نویسد:

«بدان که من خواهرت شرف الأشراف را کمی قبل از بلوغش نزد خود خواندم و به آن توان و آمادگی اش، دستورات دینی را برایش شرح دادم و به او توضیح دادم که خداوند به واسطه بلوغ، چه منت و شرافتی به بنده اش داده است تا در خدمت خداوند باشد و این افتخار نصیب تو نیز شده است.» (ابن طاووس، ۱۳۷۰ق، ص ۸۶) پدرش به او، خواهر و برادرانش در کتاب **امالی** اجازه روایت داده و در وصف دخترانش گفته است که آنان «حافظ» و «کاتب» هستند. (افندی، ۱۴۰۱، ج ۵، ص ۴۰۸) صادقی معتقد است که شرف الاشراف وصف است و نام او نیست. (صادقی کاشانی، ۱۳۹۴، ص ۲۷) از این رو برخی در تألیفات خود از او به «شریفه» یاد کرده اند.

با وجود آنکه این بانوی مجلّه دوازده سال پیش نداشت، سید بن طاووس به او اجازه نقل اخبار داده بود. وی در کتاب **سعد السعود** می نویسد:

«مصحف مبارکی را برای دخترم شرف الأشراف، که قرآن را در دوازده سالگی حفظ نمود، وقف کردم. همچنین قرآن دیگری را بر دختر دیگر خود، فاطمه، که خداوند او را سلامت بدارد، وقف نمودم. او قرآن را قبل از نه سالگی حفظ کرده است (ابن طاووس، بی تا، ص ۲۶) شاید به همین علت و علل دیگری در این کتاب با تجلیل فراوان از دخترانش یاد کرده و آنان را فاضله، عالمه، کاتبه و صالحه خوانده است.

همین مطلب را میرزا عبدالله افندی، شیخ ذبیح الله محلاتی و دیگران نوشته اند (افندی، ۱۴۰۱، ج ۵، ص ۴۰۸؛ محلاتی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۳۶۱؛ امین، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۳۳۶؛ ابن عنبه، بی تا، ص ۲۲۰) سیده شریفه دارای کرامات زیادی است؛^۱ همچنان که پدرش در کتاب **الآمان**

۱. اعلام النساء، ص ۴۵۵.

من أخطار الأسفار و الزمان می نویسد:

ان ابنتی الحافظه الکاتبه شرف الاشراف کمل الله لها تحف اللطاف عرفتنی أنها تسمع
سلاما علیها ممّن لا تراه... (ابن طاووس، بی تا، ص ۱۱۶)
مادرش زهرا خاتون، دختر وزیر ناصر بن مهدی بود. (غروی نایینی، ۱۳۸۶، ص ۲۵۶)
سید بن طاووس در کتابش به او اشاره کرده، می نویسد: شریفه یک خواهر به نام فاطمه داشته
(ابن طاووس، ۱۳۷۰، ص ۱۱) که او نیز از بانوان صالحه و فاضله و عالمه بوده است.^۱
چون قبر برادر سیده شریفه در شهر حلّه واقع است و به سید رضی الدین شهرت دارد و
شریفه نواده حسن مثنی و خواهر سید رضی است، مزار او به «شریفه بنت الحسن المثنی»
و «اخت الراضی» شهرت پیدا کرده است که متأسفانه بعدها به اشتباه، دختر امام حسن و امّ
راضی خوانده شد.

نگاهی به مقبره پدر و برادر

مقبره رضی الدین علی بن طاووس در حلّه منتسب به سید بن طاووس است. اما این مقبره
- در واقع - قبر فرزندش، رضی الدین علی بن علی است که در نام، کنیه و لقب، با پدرش
اشتراک دارد. بنابر گزارش های تاریخی، قبر سید بن طاووس، که پدر رضی الدین علی بن علی
است، در حرم حضرت امام علی علیه السلام قرار دارد.

معرفی ابن طاووس پدر

خاندان آل طاووس از خاندان های علمی شیعه و سادات علوی اند که تعدادی از
شخصیت های این خاندان، به ویژه در سده هفتم هجری در عراق، از جایگاه علمی مهمی
برخوردار بودند. نسب آنها از سوی پدر به امام حسن مجتبی علیه السلام و از سوی مادر به امام
زین العابدین علیه السلام می رسد.

در علت انتساب این خاندان به طاووس، در کتب تاریخی آمده است که جدّ هفتم ایشان

۱. اعلام النساء، ص ۴۵۵.

ابوعبدالله محمد بن اسحاق بن محمد بن سلیمان بن داود، صورتی زیبا داشت، اما به سبب همخوانی نداشتن پاها با چهره جذابش، در میان مردم به «طاووس» ملقب گردید. (امین، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۱۸۹؛ قمی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۳۴۰-۳۴۱) در کتب تراجم، از آل طاووس به نیکی یاد شده است و آنان را مردانی اهل علم و فضیلت و عرفان و با مجد و عظمت خوانده‌اند. رضی‌الدین علی، معروف به سید بن طاووس در این باره می‌گوید:

خداوند متعال ما را به وسیله پدران و نیاکان و مادرانی شرافتمند کرده است که همگی از دانش و دیانت و امانت بهره‌تام و تمام داشته‌اند و مورد اعتماد کامل مردم بوده‌اند. همه مردم در مقابل شوکت آنان سر فرو آورده‌اند و ثناخوان ایشان بوده‌اند. (شهیدی گلپایگانی، ۱۳۸۲، ص ۱۶)

سید رضی‌الدین ابوالقاسم علی بن موسی بن جعفر، مشهور به «سید بن طاووس»، از مشهورترین شخصیت‌های علمی آل طاووس است. او در سال ۵۸۹ قمری در حله به دنیا آمد. مادرش دختر شیخ ورام بن ابی‌فراس حلی و مادر پدرش دختر شیخ طوسی بود. دوران کودکی و جوانی را در زادگاهش، به فراگیری دانش گذراند و سپس به بغداد رفت و پانزده سال در آن شهر زیست و سپس در روزگار مغولان، بار دیگر به بغداد بازگشت. او با مستنصر، خلیفه عباسی، روابط خوبی داشت؛ به گونه‌ای که خلیفه به او، منصب قضاوت و نقابت علویان عراق را پیشنهاد کرد؛ اما او نپذیرفت. او در زمان حمله مغولان به عراق، با توجه به موقعیت ویژه خود کوشید تا در حد امکان، از ویرانی و خونریزی آنها جلوگیری کند. (مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۵۴)

مزار ابن طاووس

به گزارش مؤلف کتاب الحوادث الجامعة، سید بن طاووس در سال ۶۶۴ ق، در سن ۷۳ سالگی درگذشت و پیکرش به حرم مطهر حضرت امام علی (ع) انتقال یافت و در آنجا به خاک سپرده شد. (ابن فوطی، ۱۴۰۷، ص ۲۵۵)

افزون بر این گزارش تاریخی معتبر، که از یک نویسنده معاصر سید بن طاووس منقول

است، او خود در یکی از آثارش، اشاره کرده که در زمان حیات خود، محل قبر خویش را کنار جدش، امیر مؤمنان علی علیه السلام، تعیین کرده تا پس از وفات، در آنجا به خاک سپرده شود. سخن وی در این باره، چنین است:

كنت مضیت بنفسی و اشرت الی من حفر لی قبراً کما اخترته فی جوار جدی و مولای علی بن ابی طالب متضییفاً و مستجیراً و واداً و سائلاً و آملاً متوسلاً بكل ما یتوسل به احد من الخلائق الیه. (ابن طاووس، ۱۳۷۰، ص ۳۱)

معرفی سید علی رضی‌الدین ابن طاووس

سید رضی‌الدین علی، فرزند سید بن طاووس، از علما و محدثان شیعه به شمار می‌آید و از پدر خود و نیز خواجه نصیرالدین طوسی و سیدمحمد بن معیه روایت کرده است. او پس از درگذشت برادر بزرگ‌تر خود، صفی‌الدین محمود، در سال ۶۸۰ق، منصب نقابت علویان را برعهده گرفت. از وی اثری به نام *زوائد الفوائد*، به عربی به‌جا مانده که بیشتر مطالب آن برگرفته از کتاب سه جلدی پدرش *الإقبال لصالح الاعمال* است. (صدر حاج سیدجوادی و دیگران، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۳۴۰)

مزار سید علی رضی‌الدین

از تاریخ بنای اولیه زیارتگاه، اطلاع دقیقی در دست نیست. مساحت زیارتگاه کنونی حدود ۱۶۰۰ متر مربع است. ورود به اتاق مقبره با عبور از حیاط سرپوشیده‌ای امکان‌پذیر است. اتاق مقبره مربع شکل است و قبر میان آن قرار دارد که بر آن، ضریح چوبی مشبکی نصب شده است. بر فراز اتاق مقبره، گنبد بزرگی وجود دارد که دارای پوشش کاشی‌کاری مزین به اسامی ائمه معصوم علیهم السلام است. آخرین بازسازی بنای زیارتگاه پس از سقوط نظام صدام در سال ۲۰۰۳، صورت گرفته که در جریان آن، مسجدی نیز کنار زیارتگاه ساخته شده است. (جد، ۱۴۲۹، ش ۲۳، ص ۴۹)

بنابراین، انتساب قبری به سید بن طاووس در حله پذیرفتنی نیست. اما سیدحسن صدر در کتاب *تحیة اهل القبور بما هو مأثور*، عقیده دارد که قبر منسوب به وی در حله - در واقع -

قبر فرزندش، رضی‌الدین علی بن علی است که در نام، کنیه و لقب، با پدرش اشتراک داشته است. (بحرانی، ۱۴۰۶، ص ۲۳۲) بنابراین، بعید نیست قبر شریفه یا شرف الاشراف در خارج حله باشد و به دختر امام حسن مجتبی علیه السلام مشهور شده باشد.

مزار عبدالکریم بن طاووس در حله

غیاث‌الدین ابوالمظفر عبدالکریم بن احمد بن موسی بن جعفر از دیگر علمای مشهور خاندان آل طاووس و فرزند ابوالفضائل احمد بن طاووس است. او در سال ۶۴۸ قمری به دنیا آمد. ابن داود درباره او می‌نویسد:

«کان اوحد زمانه، حائری المولد، حلّی المنشأ، بغدادی التحصیل، کاظمی الخاتمه؛ او یگانه زمان خود بود. زادگاهش حائر (کربلا)، محل رشدش حله، محل تحصیلش بغداد و محل وفاتش کاظمین بود. (صلی، ۱۳۹۲ق، ص ۲۲۶-۲۲۸) ابن فوطی از وی با عنوان «فقیه، علامه و نسابه» یاد کرده و در وصف او مبالغه نموده و او را با چنین جملاتی ستوده است:

کان جلیل‌القدر، نبیل‌الذکر، حافظاً لکتاب الله‌المجید، ولم ار فی مشایخی احفظ منه للسير و الآثار و الاحادیث و الاخبار و الحکایات و الاشعار، جمع و صنّف و شجّر و الف و کان یشارک الناس فی علومهم و کانت داره مجمع الائمّه و الاشراف و کان الاکابر و الولاة و الکتاب یستضیئون بانواره و رأیه. (ابن فوطی، بی تا، ج ۲، ص ۴۴۲)

عبدالکریم بن طاووس نزد پدرش، ابوالفضائل و عمویش، سید بن طاووس و نیز علمایی همچون محقق حلّی، یحیی بن سعید حلّی، ابوالحسن علی بن محمد بن علی علوی عمری، خواجه نصیرالدین طوسی و دیگران، علوم دینی و ادبی را آموخت. او در یازده سالگی قرآن را حفظ کرد و چنان حافظه‌ای قوی داشت که به گفته ابن داود، «هرگز سخنی به ذهن او راه نیافت که آن را از یاد ببرد.» از شاگردان وی می‌توان ابن داود حلّی، عبدالصمد بن احمد بن ابی‌الحیث و علی بن حسین ابن حماد لثی را یاد کرد.

عبدالکریم بن طاووس آثار و تألیفاتی داشته که مشهورترین آنها فرحة الغری بصرحة

الغری، در باره تربت مقدس امام علی علیه السلام است که تاکنون چند بار منتشر شده و علامه مجلسی نیز آن را به فارسی ترجمه کرده است. از دیگر آثار وی می‌توان به کتاب *الشمس المنظوم فی مصنفی العلوم* اشاره کرد که موضوع آن شرح حال علما و دانشمندانی است که در یکی از علوم مهم تألیفاتی داشته‌اند. (صدر حاج سیدجوادی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۳۴۱)

محل مزار

غیاث‌الدین عبدالکریم بن طاووس در سال ۶۹۳ق، از دنیا رفت و جنازه‌اش را به حرم مطهر امیرمؤمنان علی علیه السلام منتقل کردند و در آنجا به خاک سپردند. (ابن فوطی، بی تا، ج ۲، ص ۴۴۳؛ همو، ۱۴۰۷، ص ۳۲۷) صاحب *الحوادث الجامعة*، محل وفات وی را مشهد موسی بن جعفر علیه السلام در کاظمین ذکر کرده است که قول ابن داود را تأیید می‌کند.

توصیف ساختمان مزار

ساختمان جدید زیارتگاه وی در حله، به جای ساختمان قدیمی‌تر ساخته شده است. مساحت مقبره نزدیک هزار مترمربع است و بر فراز آن، گنبدی به ارتفاع ۱۵ متر و قطر ۶/۵ متر قرار دارد. بر قبر، ضریح مشبک آهنی کوچکی به مساحت تقریبی ۲×۳ متر قرار دارد. حیدر الجد از خادم زیارتگاه نقل کرده که این ضریح پیش‌تر بر قبر مسلم بن عقیل قرار داشته که پس از تعویض ضریح وی، به اینجا منتقل شده است. نماهای خارجی مقبره و گنبد آن هنوز بدون پوشش تزیینی بیرونی همچون سنگ و کاشی است. کنار مقبره مسجدی وجود دارد که به دست یکی از مردان نیکوکار حله، ساخته شده است. این مسجد مناره‌ای دارد که کاشی‌کاری شده است. (جد، ۱۴۲۹، ش ۲۳، ص ۴۵)

مزار احمد بن طاووس

مقبره احمد بن طاووس در محله «جباوین» شهر حله عراق قرار دارد و از قدیم زیارتگاه شیعیان بوده است. (بحرانی‌ها، ۱۴۰۶، ص ۲۴۲) البته تاریخ‌نویسان در اینکه شخصیت مدفون در این مرقد همان جمال‌الدین احمد بن موسی باشد یا دیده تردید نگریسته‌اند.

برخی از تاریخ‌نگاران کشور عراق احتمال داده‌اند که این قبر، مدفن برادرزاده جمال‌الدین احمد بن موسی، یعنی قوام‌الدین احمد بن عزالدین حسن (م ۷۰۴ق) باشد که قبرش به علت تشابه اسمی، به عمویش جمال‌الدین منسوب است. (حرزالدین، ج ۲، ص ۱۲۳)

زندگی‌نامه سید جمال‌الدین احمد

احمد بن موسی بن طاووس، از آل طاووس، در حله متولد شد. (امین، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۱۸۹؛ قمی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۳۴۰-۳۴۱)

جد پدری احمد بن موسی با ۱۳ واسطه به امام حسن مجتبی علیه السلام می‌رسد و از جانب مادر از نوادگان شیخ الطائفه، شیخ طوسی، است و به این علت که از طرف جدّه خود، امّ کلثوم دختر امام سجاد علیه السلام، به امام حسین علیه السلام پیوند می‌خورد، (همان، ۱۳۸۲، ص ۱۴) به ایشان «ذوالحسین» نیز می‌گویند (ابن طاووس، ۱۳۶۸، ص ۲۹۴) و به «سادات حسنی حسینی» مشهورند.

موسی بن طاووس از محدثان عصر خویش و همانند اجدادش در فقه و فقهت شهره بود. وی چهار فرزند پسر به نام‌های شرف‌الدین محمد، عزالدین حسن، جمال‌الدین احمد و رضی‌الدین ابوالقاسم داشت. در میان فرزندان وی فقط نسل آخرین فرزند، یعنی سید بن طاووس، باقی مانده و نسل طاووس فقط منحصر در سید بن طاووس است. (امین، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۱۸۹؛ مدرّس تبریزی، ۱۳۷۴، ج ۸، پاورقی ص ۷۳)

در میان علمای شیعه، در مسائل فقهی و رجالی هرگاه نامی از «ابن طاووس» بدون قرینه آورده می‌شود، اشاره به احمد بن موسی دارد که با لقب «فقیه اهل بیت علیهم السلام» مشهور است؛ اما در کتب ادعیه، مقصود از ابن طاووس رضی‌الدین علی، ملقب به سید بن طاووس است. (قمی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۹؛ نیز رک: امین، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۱۹۰؛ خوئی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۳۴۴؛ حرّ عاملی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۹؛ زرکلی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۷۴)

احمد از استادان برجسته آن زمان کسب فیض کرد و از برخی اجازه روایت گرفت. برخی از اساتید وی عبارتند از: نجیب‌الدین بن نما (م ۶۴۵ق) (امین، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۱۹۰)

شمس‌الدین فخر بن معد بن فخر موسوی (م ۶۳۰ق) (همانجا، موسوی خوانساری، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۶۶)، سید احمد بن یوسف بن احمد عریضی علوی حسینی، (امین، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۱۹۰) شیخ سدیدالدین ابوعلی حسین بن خشرم (حرّ عاملی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۹۲) و شیخ یحیی بن محمد بن یحیی بن فرج سوراوی. (امین، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۱۹۰)

احمد بن طاووس را باید از پیش قراولان ترقی و تجدد در علوم دانست. وی با مطالعه دقیق در نوع تقسیم‌بندی احادیث، که توسط قدما درست شده بود، به اشکالات و ایرادات اساسی این تقسیم‌بندی پی برد و با ایجاد یک تقسیم‌بندی جدید، شکلی منطقی به احادیث امامیه داد تا سره و ناسره آسان‌تر از یکدیگر شناخته شوند.

پیشینیان خبر را به «صحیح» و «غیر صحیح» تقسیم می‌کردند، اما احمد بن موسی احادیث را به چهار قسم «صحیح»، «حسن»، «موثق» و «ضعیف» تقسیم کرد که اکنون این اصطلاحات متداول بوده و سایر مصطلحات در این چهار قسم مندرج است. (همانجا؛ موسوی خوانساری، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۶۶)

مجلس درس وی تحت تأثیر شخصیت برجسته علمی اش، محل آمد و شد شیفتگان علم بود و افراد سرشناسی در محضرش شاگردی کردند و اجازه روایت گرفتند. از شاگردان مشهور وی می‌توان به علامه حلّی و شیخ تقی‌الدین حسن بن داود حلّی اشاره کرد. (امین، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۱۹۰؛ نیز ر.ک: مدیر شانه‌چی، ۱۳۷۲)

احمد بن موسی بن طاووس در سال ۶۷۳ قمری در حله درگذشت و در همان شهر به خاک سپرده شد. (خوئی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۳۴۴؛ موسوی خوانساری، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۶۸؛ حرّ عاملی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۹؛ امین، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۱۸۹) امروزه در محله «جباوین» حله مرقدی منسوب به او و زیارتگاه شیعیان است. (بحرانی، ۱۴۰۶، ص ۲۴۲؛ دوانی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۱۶۶)

برخی مرگ وی را شهادت قلمداد کرده‌اند، اما افندی در این باره می‌نویسد:

یکی از فضلا در کتابش نوشته است: این سید و برادرش رضی‌الدین علی به قتل

رسیده و شهید شده‌اند، اما شهادت آنها محل تأمل است؛ چرا که من در کتب
علما و اصحاب ندیده‌ام که نوشته باشند که این دو بزرگوار - ولو با سم - شهید
شده‌اند». (افندی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۷۴-۷۵)

احمد فرزندی داشت که او هم به «ابن طاووس» مشهور شد. غیاث‌الدین ابوالمظفر
عبدالکریم بن احمد (۶۴۸-۶۹۳ق) نیز همچون پدرش، در شمار فقها و ادبای عصر خویش
بود. وی نیز منصب نقابت را مدتی کوتاه بر عهده داشت. دربارهٔ استعداد و هوش عجیب او
سخن‌ها گفته شده است.

توصیف ساختمان مزار

حیدر الجد، از تاریخ‌نگاران عراقی، احتمال داده که این قبر، مدفن برادرزادهٔ وی، قوام‌الدین
احمد بن عزالدین حسن (م ۷۰۴ق) باشد که به علت تشابه اسمی، به عمویش، ابوالفضائل
احمد بن موسی، منسوب است. (جد، ۱۴۲۹، ص ۳۹)

قوام‌الدین احمد، کنیه‌اش «ابوطاهر» و سیدی نیکوکار و نیکوسیرت بود و در دورهٔ ارغون
شاه مغول و برادرش کیخاتو، منصب امیر الحاج (سرپرستی حجاج) عراق را برعهده داشت و
در سال ۷۰۴ قمری درگذشت. (ابن فوطی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۴۷۳-۴۷۴)

البته میان خاندان آل طاووس، شخص دیگری نیز به نام قوام‌الدین ابوطاهر احمد بن علی
بن علی وجود داشته که - در واقع - نوهٔ سید بن طاووس بوده و او همانند پدر و پدربزرگش
نقیب سادات بوده است. (همانجا)

شیخ یوسف بحرانی (م ۱۱۸۶ق) با اشاره به مزار ابوالفضائل احمد بن طاووس در شهر
حلّه، نوشته است که این زیارتگاه در سال‌های اخیر بر مبنای خواب یکی از صالحان ساخته
شده است. (بحرانی، ۱۴۲۹، ص ۲۳۲)

مساحت تقریبی زیارتگاه ۶۰۰ مترمربع است. ورودی بنا در خیابان اصلی قرار دارد
و شامل در آهنی سبزرنگی است که بالای آن کتیبه‌ای از کاشی، حاوی چند بیت سروده
شیخ محمدعلی یعقوبی به چشم می‌خورد. براساس این ابیات، ساختمان زیارتگاه را حاج

عبدالرزاق مرجان در سال ۱۳۷۷ق، با هزینه سه هزار دینار بازسازی کرده است.

ورودی بنا به حیاط سرپوشیده‌ای متصل است که سمت چپ آن شبستان و نمازخانه بزرگی قرار دارد و کنار آن نیز «کتابخانه امام صادق (علیه السلام)» واقع است. سمت راست حیاط زیارتگاه، اتاق مقبره به ابعاد ۶×۶ متر قرار دارد که دارای گنبد ساده‌ای به ارتفاع ۶ متر است. داخل اتاق مقبره دو قبر برجسته به ارتفاع تقریبی نیم متر وجود دارد که یکی از آنها به ابوالفضائل احمد بن طاووس و دیگری به عبدالله بن طاووس منسوب است.

قبر دوم در زیارتگاه مستقلی در محل دیگری قرار داشته؛ اما در جریان تخریب آن به علت احداث پل، به این زیارتگاه منتقل شده است.

حیدر الجدمعتقد است: صاحب این قبر عبدالله بن احمد بن رضی الدین علی بن رضی الدین علی بن طاووس (جد، ۱۴۲۹، ص ۴۰-۴۱) و - در واقع - پدر وی، همان قوام‌الدین احمد، نوه سید بن طاووس است که نقیب سادات بوده که پیش از این، از وی یاد کردیم.

فهرست منابع

۱. ابن طقطقی، محمد بن علی (بی تا)، الأصيلی فی انساب الطالبین، قم، مكتبة آية الله مرعشي.
۲. ابن عنبه، احمد بن علی، (۱۳۶۳)، الفصول الفخرية، به اهتمام سيد جلال الدين محدث ارموى، تهران، علمى و فرهنگى.
۳. ابن عنبه، احمد بن علی، (بی تا) عمدة الطالب فی انساب آل ابى طالب، بيروت، دارالمكتبة الاحياء.
۴. ابن فوطى، عبدالرزاق بن احمد (۱۴۱۶)، مجمع الآداب فی معجم اللقب، تحقيق محمد كاظم، تهران، مؤسسة الطباعة و النشر.
۵. ابن طاووس، علی بن موسى، (۱۳۶۸)، كشف المحجة لثمرة المهجة يا فانوس، ترجمة اسدالله مبشرى، تهران، فرهنگ اسلامى.
۶. _____ (۱۳۷۰ق)، كشف المحجة لثمرة المهجة، النجف الاشرف، المطبعة الحيدرية.
۷. _____ (بی تا)، الامان من اخطار الاسفار و الزمان، نجف، مكتبة الحيدريه.
۸. _____ (بی تا)، سعد السعود، قم، منشورات شريف الرضى.
۹. ابن فوطى، عبدالرزاق بن احمد (۱۴۰۷)، الحوادث الجامعة والتجارب النافعة فى المائة السابعة، بيروت، دار الفكر الحديث.
۱۰. _____ (بی تا)، مجمع الآداب فى معجم اللقب، تحقيق محمد الكاظم، طهران، مؤسسة الطباعة والنشر - وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامى،
۱۱. اعرجى، جعفر بن محمد، (۱۳۷۵)، الدر المثنور فى انساب المعارف و الصدور، تحقيق سيد حسين ابوسعيدة موسى، قم، مؤسسة عاشورا.
۱۲. افندى، ميرزا عبدالله، (۱۴۰۱)، رياض العلماء و حياض الفضلاء، تحقيق سيد احمد حسينى، قم، مكتبة آيت الله مرعشى.

۱۳. امین، سید محسن، (۱۴۰۶)، اعیان الشیعة، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
۱۴. بحرانی یوسف بن احمد (۱۴۲۹)، لؤلؤة البحرين فی الاجازات و تراجم رجال الحديث، تحقیق سید محمد صادق بحر العلوم، المنامة، مكتبة فخرأوى
۱۵. _____ (۱۴۰۶)، لؤلؤة البحرين فی الاجازات و تراجم رجال الحديث، تحقیق سید محمد صادق بحر العلوم، بیروت، دارالاضواء.
۱۶. جد، حیدر، (۱۴۲۹)، مرآة آل «طاووس فی الحلة»، ینابیع.
۱۷. جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، (بی تا)، گلشن ابرار (خلاصه ای از زندگی اسوه های علم و عمل)، زیر نظر پژوهشکده باقر العلوم ۷ وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی، قم، معروف.
۱۸. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۳۶۲)، امل الآمل، قم، دارالکتاب الاسلامی.
۱۹. حرزالدین، محمد، (۱۳۹۱ق)، مرآة المعارف، قم، سعید بن جبیر، افست نجف.
۲۰. حکیمی، محمد رضا، (بی تا)، اعیان النساء، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۲۱. خوئی، ابوالقاسم، (۱۴۱۳)، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، بیروت، بی نا.
۲۲. دوانی، علی، (۱۳۷۸)، مفاخر اسلام، تهران، مرکز انتشارات اسناد انقلاب اسلامی تهران.
۲۳. زرکلی، خیرالدین (۱۳۸۹ق)، الاعلام قاموس تراجم لاشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین، بیروت، بی نا.
۲۴. شهیدی گلپایگانی، سید محمد باقر (۱۳۸۲)، برنامه سعادت (ترجمه کشف المحجبة)، تهران، سعدی.
۲۵. صادقی کاشانی، مصطفی، (۱۳۹۴)، تاریخ نگاری ابن طاووس، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۶. صدرحاج سید جوادی، احمد و بهاء الدین خرمشاهی و کامران فانی، (۱۴۱۶)، دائرة المعارف تشیع، تهران، شهید محبی.
۲۷. عامری، احمد، (۱۴۲۷)، المرآة الاسلامیة فی العالم، بیروت، دارالهادی.
۲۸. غروی نایینی، نهله، (۱۳۸۶) محدثات شیعه، چ دوم، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
۲۹. فقیه بحر العلوم، محمد مهدی، (۱۳۹۶)، زیارتگاه های عراق، تهران، مشعر.
۳۰. قمی، عباس، (۱۳۶۸) الکنی والألقاب، تهران، کتابخانه صدر.

۳۱. _____، (۱۳۸۵)، الفوائد الرضوية في احوال علماء المذهب الجعفريه، ترجمه و تحقيق ناصر باقرى بيدهندي، قم، بوستان.
۳۲. كمونه حسيني، سيد عبدالرزاق، (۱۳۸۸ق)، موارد الاتحاف في نقباء الاشراف، نجف، مطبعة الآداب.
۳۳. محلاتي، ذبيح الله، (۱۴۱۹) رياحين الشريعة، تهران، اسلاميه.
۳۴. مدرس تبريزي، محمد علي، (۱۳۷۴)، ریحانة الادب، تهران، خيام.
۳۵. مدير شانه چي، كاظم. (۱۳۷۲)، علم الحديث، قم، دفتر تبليغات اسلامي.
۳۶. موسوي خوانساري، محمدباقر (۱۳۹۰ق)، روضات الجنات في احوال العلماء و السادات، تهران، مطبعة الحيدريه.
۳۷. موسوي، سيد حسين (۱۴۲۲)، المشاهد المشرفة، نجف، بي نا.

